

فهرست مطالب

سخنی باخواننده..... ۱۱

مقدمه..... ۱۵

فصل اول: مفاهیم و تمهید نظری

گفتار اول: بیان مفاهیم..... ۲۷

۱. عرصهٔ عمومی..... ۲۷

۲. حریم و عرصهٔ خصوصی..... ۲۸

۳. ولایت فقیه..... ۳۱

۴. تجسس..... ۳۳

۵. تحسس..... ۳۴

گفتار دوم: روش و تمهید نظری..... ۳۵

۱. روش اجتهادی..... ۳۵

۲. تمهید نظری..... ۴۳

گونه‌شناسی حریم خصوصی..... ۴۳

۳. گونه‌های دخالت در حریم خصوصی..... ۴۵

الف) انواع رفتار انسان..... ۴۶

ب) فقه حکومتی و عرصه خصوصی..... ۴۷

- ج) دولت اسلامی و حریم خصوصی ۵۰
- د) ولایت فقیه، مطلق یا مقید؟ ۵۴
- جمع‌بندی و نتیجه ۶۱

فصل دوم: مبانی و اصول مصونیت عرصه خصوصی

در فقه سیاسی شیعه

- گفتار اول: مبانی مصونیت عرصه خصوصی در فقه سیاسی شیعه ۶۵
۱. کرامت‌مندی انسان ۶۶
۲. حق انتخاب و گزینش ۷۷
۳. حسن عدالت و قبح ظلم ۸۱
- گفتار دوم: اصول مصونیت عرصه خصوصی در فقه سیاسی شیعه ۸۵
۱. اصل عدم جواز مداخله در عرصه خصوصی شهروندان ۸۵
۲. اصل عدم ولایت فردی بر دیگری ۸۷
۳. اصل برائت ۹۰
۴. اصالت صحت ۹۳
۵. اصل لاضرر ۹۷
- جمع‌بندی و نتیجه ۱۰۵

فصل سوم: ادله نافی اختیارات نظام ولایت فقیه

در عرصه خصوصی و استثنائات آن

- گفتار اول: ادله نافی اختیارات نظام ولایت فقیه در عرصه خصوصی ۱۰۷
۱. دلیل عقلی ۱۰۸
۲. ادله نقلی ۱۱۰

۱۱۲	الف) حرمت تجسس و تتبع عیوب دیگران.....
۱۱۹	ب) عدم جواز ورود به حریم دیگران.....
۱۲۲	ج) حرمت اشاعه فحشا و اسرار دیگران.....
۱۲۶	د) پذیرش ایمان فرد متظاهر به اسلام.....
۱۳۵	گفتار دوم: موارد استثنای دخالت در حریم خصوصی شهروندان در نظام ولایت فقیه.....
۱۳۷	۱. دلیل عقلی.....
۱۴۱	۲. ادله نقلی.....
۱۴۲	الف) جواز مقابله با فتنه‌گری جاسوسان.....
۱۴۷	ب) لزوم آمادگی اطلاعاتی و همه‌جانبه در برابر دشمن.....
۱۵۱	جمع‌بندی و نتیجه.....

فصل چهارم: گستره اختیارات ولایت فقیه در عرصه خصوصی

	گفتار اول: محدوده اختیارات نظام ولایت فقیه در عرصه خصوصی در نظریه ولایت مطلقه فقیه.....
۱۵۷
۱۶۰	۱. سابقه و روند بحث گستره اختیارات در ولایت فقیه.....
۱۶۹	۲. گره‌گشایی اطلاق در نظریه ولایت فقیه.....
۱۷۲	۳. نسبت اطلاق در نظریه ولایت مطلقه فقیه.....
۱۷۵	۴. عرصه خصوصی، مصلحت نظام و جامعه اسلامی.....
	گفتار دوم: گستره اختیارات نظام ولایت فقیه در عرصه خصوصی در نظریه ولایت مقیّده فقیه.....
۱۸۴
۱۸۵	۱. جواز تصرف فقیه و عدم طرح عرصه خصوصی.....
۱۸۹	۲. ولایت فقیه با خوانش امور حسبیه و عرصه خصوصی.....

- ۱۹۳..... نظارت فقیه حاکم..... ۳
- ۱۹۵..... عرصه خصوصی و ولایت فقیه در نظریه انتخاب..... ۴
- ۱۹۸..... جمع‌بندی و نتیجه.....

فصل پنجم: ضوابط اختیارات نظام ولایت فقیه

در عرصه خصوصی شهروندان

- ۲۰۲..... گفتار اول: ضابطه‌مندی دخالت در عرصه خصوصی.....
- ۲۰۶..... گفتار دوم: ضابطه بنیادین دخالت در عرصه خصوصی از منظر فقه شیعه.....
- ۲۰۶..... قاعده اهم و مهم.....
- ۲۰۹..... الف) حفظ مصلحت جامعه و نظام اسلامی.....
- ۲۱۶..... ب) حفظ اسلام و نظام اسلامی.....
- ۲۲۲..... ج) حفظ امنیت جامعه اسلامی.....
- گفتار سوم: گام‌هایی برای طراحی ضابطه‌مندی اختیارات نظام ولایت فقیه در عرصه خصوصی.....
- ۲۲۴.....
- ۲۲۹..... ۱. گزینش نیروهای صالح.....
- ۲۳۱..... ۲. مرزبندی شفاف میان حقوق فردی و حقوق سیاسی - حاکمیتی.....
- ۲۳۳..... ۳. تعیین حد و مرز ضوابط اضطرار، ضرورت و مصلحت.....
- ۲۳۴..... ۴. ضرورت وضع قوانین سخت‌گیرانه.....
- ۲۳۵..... ۵. تصمیم‌گیری جمعی.....
- ۲۳۶..... ۶. توجه به ضوابط دخالت نظام ولایت فقیه در عرصه خصوصی.....
- ۲۳۷..... ۷. تعیین مصادیق و موارد دخالت.....
- ۲۴۰..... جمع‌بندی و نتیجه.....

خاتمه و جمع‌بندی نهایی..... ۲۴۳

پیوست‌ها

پیوست اول: بیانیه هشت ماده‌ای امام خمینی..... ۲۴۹

پیوست دوم: لایحه حریم خصوصی..... ۲۵۴

پیوست سوم: برخی از مواد منشور حقوق شهروندی مرتبط با حریم خصوصی..... ۲۷۲

کتابنامه..... ۲۷۵

نمایه‌ها

آیات..... ۲۹۱

روایات..... ۲۹۵

موضوعات..... ۲۹۸

اعلام و مشاهیر..... ۳۱۷

کتاب‌ها..... ۳۲۱

مکان‌ها..... ۳۲۲

تنالگان..... ۳۲۳

سخنی باخواننده

پژوهش در حوزه اندیشه سیاسی از منظر دینی در راستای شناخت مبانی، سرشت و ساختار آن در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی ضرورتی انکارناپذیر یافته است. ژرف‌نگری در مبانی دینی مشتمل بر عقل و آموزه‌های وحیانی و عرف جامعه اسلامی - ایرانی، شرطی اساسی در پویایی پژوهش‌ها برای دستیابی به الگوی مطلوب حکومت اسلامی در دوره جدید است؛ ازاین‌رو شناخت، بازخوانی، بازنگری و بومی‌سازی مسائل علم و اندیشه سیاسی، جایگاه ویژه‌ای در این پژوهش‌ها دارند.

بی‌تردید قصد اولیه انقلاب اسلامی، هدفمندی و ارتقای کیفیت زندگی مؤمنان بر اساس نص اسلامی بود. لازمه تحقق این هدف، تربیت اندیشمندان فراوان و انجام تحقیقات به‌روز، کارآمد و معتبر علمی بود که در این راستا با راهنمایی استادان و همکاری طلاب فارغ‌التحصیل علوم سیاسی، زمینه شکل‌گیری پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی در سال ۱۳۷۳ فراهم شد؛ تجربه نو و موفق این پژوهشگران در معرفی بخشی از میراث سیاسی عالمان شیعی و تألیف آثاری مستقل درباره مسائل نوپیدای سیاسی، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های این مرکز و ارتقای آن به پژوهشکده‌ای مستقل مهیا کرد.

این پژوهشکده در راستای ایفای رسالت خود، تولیدات پژوهشی فراوانی را به جامعه علمی ارائه کرده است؛ از جمله می‌توان به تألیف، تصنیف و ترجمه ده‌ها کتاب در حوزه اندیشه سیاسی اسلام اشاره کرد. چشم‌انداز آینده این پژوهشکده تبدیل‌شدن به مرجعی علمی پیرامون اندیشه سیاسی - دینی است تا بتواند با گردآوری مهم‌ترین تلاش‌ها و اندیشه‌ها به بسیاری از علاقه‌مندان این حوزه، خدمات علمی مؤثری را ارائه کند.

کتاب حاضر با هدف جستجو و بررسی ادله، مبانی و مسائل اساسی در گستره اختیارات نظام ولایت فقیه در عرصه خصوصی شهروندان، تبیین قلمروهای ممنوع از دخالت در عرصه خصوصی شهروندان، تحلیل حوزه‌های مجاز برای دخالت حاکمیت در عرصه خصوصی شهروندان با توجه به گستره اختیارات حاکم اسلامی، تحلیل ضوابط، مقررات و قوانین دخالت در عرصه خصوصی شهروندان و طراحی ضابطه‌مندی آن برای بهره‌مندی دانشجویان عزیز و طلاب محترم علوم دینی تهیه شده است. امید است افزون بر جامعه دانشگاهی و حوزوی، دیگر علاقه‌مندان نیز از آن بهره‌مند شوند.

پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی لازم می‌داند از تلاش‌های مؤلف محترم حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر سیدکاظم سیدباقری، ناظر ارجمند حجت‌الاسلام و المسلمین ابوالقاسم مقیمی حاجی، ارزیابان محترم حجت‌الاسلام و المسلمین قاسم شبان‌نیا و دکتر غلامحسن مقیمی، مدیر محترم گروه فقه سیاسی حجت‌الاسلام و المسلمین سیدسجاد ایزدهی و مدیر اداره امور پژوهشی دکتر محمود فلاح و تمام دست‌اندرکاران نشر تشکر و قدردانی کند؛ همچنین از ریاست محترم پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی حجت‌الاسلام و المسلمین جناب آقای دکتر نجف لک‌زایی که مساعدت‌های مؤثر ایشان نقشی اساسی در به‌سرانجام‌رسیدن پژوهش حاضر داشت،

تشکر نماید. در پایان از اداره نشر پژوهشگاه به دلیل آماده‌سازی و چاپ آن تشکر و قدردانی می‌شود.

این پژوهشکده در راستای حیات و بالندگی خود از انتقادهای و پیشنهادهای علمی استادان، صاحب‌نظران و پژوهشگران محترم استقبال می‌کند. امید است این فعالیت‌ها زمینه‌های رشد و پویایی اندیشه سیاسی اسلام را فراهم سازد.

دکتر مختار شیخ‌حسینی

مدیر پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی

مقدمه

یکی از مسائل مهم و چالش برانگیز در نظام‌های سیاسی، گستره اختیارات حاکمان و دخالت یا عدم دخالت آنان در زندگی خصوصی شهروندان است. عرصه خصوصی غالباً همراه با رهایی از قیدوبندهای اجتماعی و به دور از تکلف‌ها و مسئولیت‌های زندگی جمعی است و افراد فارغ از دغدغه‌های سیاسی-اجتماعی به زندگی خویش می‌پردازند. دخالت در آن گاه از سوی افراد حقیقی شکل می‌گیرد که دایره‌ای محدود دارد و همان نیز حرام است. گاه از سوی کارگزاران نظام سیاسی با پشتوانه قدرت و ثروت انجام می‌شود که شهروندان عادی به‌سختی می‌توانند در برابر آن مقابله کنند یا دفاعی داشته باشند. اهمیت این امر آن‌گاه دوچندان می‌شود که برخی از کارگزاران بدون ملاحظات و موازین شرعی و قانونی، از روی برداشت‌های شخصی و گاه سیاسی و گروهی به خود حق می‌دهند در زندگی خصوصی شهروندان به‌ویژه سیاسیون و مخالفان جناح فکری خود دخالت کنند و سرک بکشند. این امر همواره در نظام‌های سیاسی محل پرسش‌های جدی بوده است؛ این پرسش‌ها و حساسیت‌ها در دوران جدید که به‌سادگی دولت‌ها با قدرت خود و با توجه به پیشرفت در ابزار اطلاع‌رسانی و امکانات شنود و جاسوسی می‌توانند وارد حریم خصوصی شهروندان شوند،

اهمیتی دوچندان دارد؛ برای نمونه امروزه سازمان‌های امنیتی - اطلاعاتی می‌توانند از راه دور تلفن همراه افراد را فعال سازند و به محتوای آن وارد شوند؛ همچنان که می‌توانند از میکروفون و دوربین به تماس‌های تلفنی و مکالمات شهروندان گوش دهند و به صفحه‌های مجازی و ایمیل‌های دیگران سرک بکشند. گفتنی است اینها مطالب و پیشرفت‌هایی است که ما خبر داریم و چه بسا در عرصه شنود و دخالت در زندگی خصوصی دیگران، پیشرفت‌هایی انجام شده است که ما از آن آگاهی نداریم.

برپایی نظام جمهوری اسلامی بر عهده فقه و فقیهان نهاده است تا پاسخ‌هایی درخور، شایسته، علمی و سنجیده به این مهم ارائه کنند. این نظام بر نظریه ولایت فقیه بنا شده است؛ به همین دلیل یکی از مباحث پرسش‌آور این است که گستره اختیارات حاکم و نظام اسلامی چه مقدار است؟ آیا آنان حق دخالت در عرصه خصوصی شهروندان را دارند؟ هر چند از نظریه ولایت فقیه، خوانش‌ها و خرده‌نظریه‌های متفاوتی ارائه شده که ممکن است هر کدام تحلیل خاص خود را از این مسئله داشته باشند، به نظر می‌رسد در کلیت و نگاه کلان این نظریه به‌ویژه قرائت امام خمینی علیه السلام از آن، این امر پذیرفته و مفروض تلقی شده است که در نظام اسلامی، گستره اختیارات نظام ولایت فقیه به دخالت نکردن در زندگی خصوصی شهروندان محدود و مقید است. این امر را می‌توان از آیات و روایات متعددی استنباط کرد؛ آن گونه که قرآن کریم به‌صراحت بر لزوم حفظ حرمت خصوصی افراد تأکید دارد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا»^۱.

از دیگر سو با توجه به مبانی و اصولی چون لزوم حفظ کرامت انسان، وجوب حفظ آبروی او، حق آزادی انتخاب و گزینش، اصل برائت و احتیاط، قاعده لاضرر، حرمت تجسس در زندگی دیگران و لزوم حفظ امنیت و آرامش روانی و جانی و مالی شهروندان، کسی اعم از ولی فقیه یا کارگزاران حکومت اسلامی حق ورود به حوزه شخصی و محرمانه آنان را ندارد. ولایت مطلقه فقیه بر خلاف پندار برخی هرگز به معنای ولایت همه جانبه و تمام عیار بر جان، مال، عرض و ناموس شهروندان نیست و کسی هم به آن ملتزم نشده و نمی شود. این امر از آنجاست که اصولاً حکومت امور مربوط به عرصه عمومی را تدبیر می کند و طبعاً حق ورود و دخالت در عرصه های غیر حاکمیتی را ندارد و اگر هم در مواردی با قیدها و شرایط خاص خود به عرصه خصوصی وارد می شود، برای آن است که آن امر خصوصی به واقع خصوصی نیست و امری کاملاً مرتبط با حوزه عمومی است.

بنابراین برخی مسائل و امور که به مصالح عمومی، امنیت جامعه، استقلال و منافع ملی و حفظ نظام اسلامی مرتبط است، طبعاً در این موارد کارگزاران تنها با طی مراحل قانونی و در چارچوب مقررات ویژه آن هم در خصوص همان مسئله ای که مجوز دارند، حق دخالت در عرصه خصوصی شهروندان را دارند؛ امری که عقل سلیم، شرع و قواعد فقهی از جمله قاعده اهم و مهم بر آن حکم می کند. اینکه بحث از گستره اختیارات نظام ولایت فقیه در عرصه خصوصی طرح می شود، شاید به دخالت مستقیم ولی فقیه در مواردی محدود و خاص برمی گردد؛ اما به معنای آن نیست که شخص حاکم بخواهد در همه امور دخالت کند که امری نامعقول است، بلکه گاه این امر از طریق تفویض به نهادهای مربوط مانند کارگزاران، دستگاه اطلاعاتی - امنیتی، ضابطان و نظام قضایی و نیروی انتظامی انجام می شود. در صفحات پیش رو به تفصیل به این مسائل پرداخته خواهد شد.

با توجه به آنچه بیان شد، سؤال اصلی این نوشته آن است که گستره اختیارات و نقش نظام ولایت فقیه در عرصه خصوصی شهروندان تا چه میزان است؟ مبانی و اصول مصونیت عرصه خصوصی از منظر فقه سیاسی شیعه کدام است؟ ادله اختیارات یا عدم اختیارات نظام ولایت فقیه در ارتباط با عرصه خصوصی کدام است؟ گستره اختیارات نظام ولایت فقیه در عرصه خصوصی چیست؟ گستره اختیارات نظام ولایت فقیه در عرصه خصوصی، تحت چه ضوابطی تعریف می‌شود؟

در فرضیه بر این امر تأکید شده است که با توجه به مبانی و اصولی چون لزوم حفظ کرامت انسان، وجوب حفظ آبروی او، حق آزادی انتخاب و گزینش، قاعده لاضرر، اصل صحت، اصل عدم ولایت و احکامی چون حرمت ظلم، حرمت تجسس در زندگی دیگران و لزوم حفظ امنیت و آرامش روانی، جانی و مالی شهروندان، درباره اختیارات نظام ولایت فقیه و کارگزاران نظام اسلامی در حوزه حریم خصوصی، اصل بر عدم دخالت است و آنان در زندگی شخصی و محرمانه افراد آن‌گاه که دارای حیثیت عمومی نیست، اختیاری ندارند؛ اما استثنایی وجود دارد که با لحاظ مصالح عمومی، عدالت، امنیت جامعه، استقلال، منافع ملی و حفظ نظام اسلامی، نظام ولایت فقیه و کارگزاران نظام اسلامی اختیاراتی در این‌باره دارند که با طی مراحل قانونی و در چارچوب مقررات ویژه و موارد خاص و تعیین شده می‌توانند در عرصه خصوصی شهروندان دخالت کنند.

در پاسخ به این دغدغه‌ها، این نوشتار به طور مشخص چند هدف را دنبال می‌کند:

۱. جستجو و بررسی ادله، مبانی و مسائل اساسی گستره اختیارات ولایت فقیه

در عرصه خصوصی شهروندان؛

۲. تبیین حوزه‌های ممنوعه دخالت در عرصه خصوصی شهروندان؛

۳. تحلیل حوزه‌های مجاز برای دخالت حاکمیت در عرصه خصوصی شهروندان با توجه به گستره اختیارات حاکم اسلامی؛

۴. تحلیل چارچوب‌ها، مقررات و قوانین دخالت در عرصه خصوصی شهروندان. با آنکه درباره ولایت فقیه بحث‌ها، بررسی‌ها و کتاب‌های بسیاری نوشته شده است، عرصه خصوصی و قلمرو دخالت یا عدم دخالت ولایت فقیه و کارگزاران نظام اسلامی کمتر مورد توجه بوده است؛ بنابراین چند بند زیر ضرورت تحقیق را بیان می‌کند:

۱. نبود پردازش دقیق و همه‌جانبه بحث عرصه خصوصی و اختیارات نظام ولایت فقیه؛

۲. برداشت‌های نادرست از اختیارات ولایت مطلقه فقیه و امکان سوء برداشت و استفاده سودجویان در شبهه‌پراکنی‌ها؛

۳. بایستگی پاسخ علمی و سنجیده به اتهامات زده به نظریه و نظام ولایت فقیه درباره گستره اختیارات؛

۴. دخالت‌های نابجا، غیرقانونی و ناسنجیده در زندگی خصوصی شهروندان با توجیه‌ها و بهانه‌های نادرست از سوی برخی کارگزاران و ضرورت ضابطه‌مندی و حاکمیت قانون بر کردار آنان؛

۵. ضرورت معیارگذاری و ضابطه‌مندی حضور در عرصه خصوصی با توجه به پیشرفت ابزار و راحتی دخالت در زندگی دیگران.

پیشینه مسئله عرصه خصوصی و تلاش برای حفظ آن، سابقه‌ای طولانی دارد؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت داشتن این حریم پای در نیازهای اولیه انسان دارد؛ یعنی از زمانی که انسان بر گرد خانه خویش دیوارچینی کرد، در راستای حفظ حریم خصوصی بوده است. در ادبیات حقوقی و فلسفه سیاسی کهن نیز این بحث مطرح بوده است؛

بنابراین «مفهوم حریم خصوصی ریشه تاریخی گسترده‌ای در مباحث جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی دارد که با توجه به فرهنگ‌های مختلف، متفاوت است؛ همچنان که این بحث ریشه تاریخی در مباحث معروف فلسفی نیز دارد، به‌ویژه آنکه ارسطو بین حوزه عمومی فعالیت سیاسی و حوزه خصوصی مرتبط با زندگی خانوادگی و خانوادگی تفاوت می‌گذارد. در دوران جدید رساله‌های اولیه در مورد حریم خصوصی و محافظت از آن، در قوانین آمریکا از دهه ۱۸۹۰ به بعد ظاهر شد و محافظت از حریم خصوصی عمدتاً به دلایل اخلاقی توجیه شد. در آن نوشته‌ها، برخی حریم خصوصی را به منزله ارزش اخلاقی تلقی می‌کردند و دیگران به عنوان یک حق اخلاقی یا قانونی یاد می‌کردند که باید جامعه یا قانون از آن محافظت نمایند».^۱

در آثار فقهی-اخلاقی مسلمانان نیز این مسئله همواره دارای توجه بوده است؛ آیات قرآن کریم و روایات متعدد وارد شده در این باره نشان از پیشینه اصیل این بحث دارد. این امر در دوره معاصر، وارد قوانین اساسی و حقوق مدنی نیز شده است تا ضمانتی قوی‌تر ورای آن باشد؛ برای نمونه در قانون اساسی مشروطه تأکید شده است: «افراد مردم از حیث جان، مال، مسکن و شرف محفوظ و مصون از هر نوع تعرض هستند و متعرض احدی نمی‌توان شد مگر به حکم و ترتیبی که قوانین مملکت معین می‌نمایند».^۲ همچنین در اصل سیزدهم آمده است: «منزل و خانه هر کس در حفظ و امان است، در هیچ مسکنی قهراً نمی‌توان داخل شد مگر به حکم و ترتیبی که قانون مقرر نموده».^۳ در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

1. Judith DeCew; "Privacy", The Stanford Encyclopedia of Philosophy; Spring 2018 Edition, <<https://plato.stanford.edu/archives/spr2018/entries/privacy>>.

۲. قانون اساسی مشروطه، اصل نهم.

۳. همان.

نیز بر این امر تصریح شده است: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند».^۱ نیز در اصل بیست و سوم تفتیش عقاید ممنوع اعلام شده است؛ همچنین هیچ کس را نمی توان به صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد^۲ و در صریح ترین اصل می خوانیم: «بازرسی و نرساندن نامه ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هر گونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون».^۳

در عرصه پژوهشی با آنکه درباره اختیارات ولایت فقیه و ولایت مطلقه یا مقیده فقیه کتاب های متعددی نوشته شده است و به زوایای مختلف آن پرداخته اند؛ اما درباره گستره اختیارات و نقش نظام ولایت فقیه و کارگزاران نظام اسلامی در عرصه خصوصی شهروندان کتاب های ویژه ای نوشته نشده است و غالب مباحث، ذیل مطالب اختیارات ولایت فقیه به اجمال بررسی شده است. با این وجود به چند کتابی که بیشتر به این بحث پرداخته اند، اشاره می شود:

۱. حکومت اسلامی و حریم خصوصی، اثر مصطفی اسکندری^۴ این کتاب در بردارنده پنج فصل و مباحثی مانند ماهیت و مبانی حریم خصوصی، مبانی مصونیت حریم خصوصی، قلمرو و محدوده حریم خصوصی، موارد نقض حریم خصوصی و مبانی دخالت در حریم خصوصی است.

۲. عرصه عمومی و خصوصی در فقه شیعه، به قلم محمد پزشکی^۵ این اثر

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۲۲.

۲. همان، اصل ۲۳.

۳. همان، اصل ۲۵.

۴. مصطفی اسکندری؛ حکومت اسلامی و حریم خصوصی؛ ج ۱، قم: دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۰.

۵. محمد پزشکی؛ عرصه عمومی و خصوصی در فقه شیعه؛ قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۳.

یازده فصل دارد: در فصل اول طرح مسئله و پرسش‌های اصلی و فرعی، روش‌شناسی و سازماندهی پژوهش آمده است. در فصل دوم موضوع عرصه عمومی و عرصه خصوصی به‌مثابه موضوع جدید طرح شده است. در فصل سوم اصطلاح‌شناسی دولت در فقه شیعه بیان شده است. در فصل چهارم امور حسیه و در فصل پنجم ظرفیت‌سنجی عرصه عمومی و عرصه خصوصی بحث شده است. در فصل ششم عرصه عمومی و خصوصی و قواعد عام سیاسی، در فصل هفتم عرصه عمومی و عرصه خصوصی و قواعد عام اجتماعی و فرهنگی تبیین گردیده است و در فصل هشتم عرصه عمومی و عرصه خصوصی و قواعد عام اقتصادی و در فصل نهم عرصه عمومی و عرصه خصوصی و قواعد عام روشی بیان شده است. در فصل دهم عرصه عمومی و عرصه خصوصی و قواعد عام فقه و در فصل یازدهم عرصه عمومی و عرصه خصوصی و ملاکات احکام تشریح شده است.

۳. مبانی حریم خصوصی، از محمد سروش محلاتی.^۱ این کتاب در پنج فصل به مباحثی چون تحلیل مبانی حریم خصوصی، مبنای فقهی حریم خصوصی؛ قلمرو حقوق و تکالیف شهروندان و قلمرو حقوق و تکالیف دولت اسلامی پرداخته شده است.

۴. حقوق حریم خصوصی، از باقر انصاری.^۲ این کتاب در سه بخش اصلی بنیادهای نظری حریم خصوصی، مطالعه تطبیقی حریم خصوصی و مقوله‌های حریم خصوصی تنظیم شده است: در بخش نخست مفهوم حریم خصوصی، مبنا

۱. محمد سروش محلاتی؛ مبانی حریم خصوصی بر اساس منابع اسلامی؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۸.

۲. باقر انصاری؛ حقوق حریم خصوصی؛ تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۹۸.

و ماهیت حق حریم خصوصی، حریم خصوصی در اسناد بین‌المللی و حمایت از حریم خصوصی در اسلام مطالعه شده است. در بخش دوم حمایت از حریم خصوصی در کشورهای مختلف جهان و ایران مطالعه تطبیقی شده است و در بخش سوم مقوله‌های مهم حریم خصوصی در قالب حریم خلوت و تنهایی، حریم جسمانی، حریم خصوصی متقاضیان استخدام و کارکنان و مستخدمان، حریم خصوصی در فعالیت‌های رسانه‌ای، حریم اطلاعات شخصی و حریم ارتباطات خصوصی تبیین شده است.

۵. حریم خصوصی در حقوق کیفری اسلام، اثر حسین آقابابایی.^۱ نویسنده در این کتاب تلاش کرده است بحث و ادبیات حریم خصوصی را در فرایند مقایسه‌ای دو حوزه حقوق اسلامی و حقوق غربی به انجام رساند و اینکه چرا این بحث در دوره معاصر مورد توجه قرار گرفته است. کتاب در دو بخش تنظیم شده است: بخش اول به مفاهیم، دیدگاه‌ها و جلوه‌های حریم خصوصی می‌پردازد که سه فصل دارد و مباحثی چون ماهیت، دیدگاه‌ها و جلوه‌های حریم خصوصی را بررسی کرده است. بخش دوم با عنوان راهبردهای حمایت از حریم خصوصی در دو فصل به مباحثی چون جرم‌انگاری مداخله در حریم خصوصی و انعطاف در اجرای قانون در حریم خصوصی می‌پردازد.

۶. مسئولیت مدنی ناشی از نقض حریم خصوصی، از فرشید گودرزی.^۲ نویسنده در این کتاب به مباحثی چون تاریخچه، مفاهیم و اقسام حریم، حقوق شهروندی و عوامل نقض حریم خصوصی شهروندان، حقوق شهروندی، بررسی حق

۱. حسین آقابابایی؛ حریم خصوصی در حقوق کیفری اسلام؛ ج ۱، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۶.

۲. فرشید گودرزی؛ مسئولیت مدنی ناشی از نقض حریم خصوصی؛ تهران: مجد، ۱۳۹۴.

شهروندی و حریم خصوصی در کلام امام خمینی علیه السلام، عوامل نقض حریم خصوصی شهروندان، تعریف، مبانی، اهداف و ارکان مسئولیت مدنی ناشی از نقض حریم خصوصی، تعریف، مبانی، اهداف فقهی و حقوقی مسئولیت مدنی، ارکان مسئولیت مدنی و تعرضات وارد بر حریم خصوصی و جبران خسارت پرداخته است.

۷. حریم خصوصی، نوشته غلامرضا بهرامی.^۱ این کتاب دارای چهار فصل است و به معیارها و مصادیق حریم خصوصی از دیدگاه قرآن کریم و روایات می‌پردازد. نویسنده در این نوشتار به مصادیقی از حریم خصوصی و نمونه‌هایی از احکام فقهی پرداخته است که برخی از این موارد عبارت‌اند از: حریم خانه، نامه، تفتیش عقاید، استراق سمع، ناموس، تجسس حرام، اسرار مردم و نگاه آلوده است؛ سپس نویسنده وظایف حاکمان اسلامی را در این باره یادآوری نموده است.

۸. التجسس و أحكامه فی الشریعة الاسلامیه، تألیف محمد راکان الدغمی.^۲ این کتاب درباره جاسوسی افراد در داخل و خارج از کشور است و در چند باب و فصل، مباحث مربوط به جاسوسی، احکام آن، تجسس در فقه و مبارزه با آن را طرح کرده است. جاسوسی در دوران پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و فتوحات اسلامی نقش بسزایی داشته است؛ همچنین در این کتاب محدودیت‌ها، قوانین و شرایط جاسوسی، نحوه برخورد با جاسوس مسلمان و غیر مسلمان و چگونگی مبارزه با جاسوسی بحث شده است.

۹. حریم خصوصی و آزادی، از آلن وستین.^۳ این کتاب در چهار فصل تنظیم

۱. غلامرضا بهرامی؛ حریم خصوصی؛ قم: انتظار سبز، ۱۳۸۸.

۲. محمد راکان الدغمی؛ التجسس و أحكامه فی الشریعة الاسلامیه؛ الطبعة الثانیة، قاهره: دار السلام؛

۱۴۰۶ق.

3. Alan Westin; *Privacy and Freedom*; New York: Atheneum, 1968.

شده است: فصل اول به عملکرد حفظ حریم خصوصی در جامعه می‌پردازد. فصل دوم به شرح پیشرفت‌های فناوری در نظارت پرداخته است. فصل سوم درباره پاسخ جامعه آمریکا به معرفی فنون جدید نظارت است. فصل چهارم نیز نقش گذشته و آینده قانون آمریکا درباره حریم خصوصی را ارزیابی می‌کند.

۱۰. دیوان اروپایی حقوق بشر و حق بر حریم خصوصی و زندگی خانوادگی، از محمد محسن مسجدی و مطهره سادات مهدیان صدر.^۱ این کتاب کمتر وجه فقهی دارد و به مسائل خانوادگی عرصه خصوصی می‌پردازد.

همچنین بیشتر کتبی که درباره ولایت فقیه و اختیارات آن بحث کرده‌اند، به گونه‌ای از برخی مسائل عرصه خصوصی سخن گفته‌اند؛ اما مسئله‌ای که در این کتاب ویژه به آن پرداخته خواهد شد، بررسی گستره اختیارات نظام ولایت فقیه و کارگزاران نظام اسلامی در عرصه و حریم خصوصی است و اینکه حاکم اسلامی و کارگزاران او آیا اختیاری در عرصه خصوصی دارند یا نه؟ اگر اختیاری دارند، قلمرو، مرز و اندازه آن تا کجاست و این گستره با توجه به خوانش‌های متعدد از نظریه ولایت فقیه تا چه میزان است؟ این بحث کمتر بررسی شده است؛ بنابراین در زاویه نگاه به مسئله، دارای نوآوری است.

با توجه به آنکه دیدگاهی واحد و یک‌دست در گستره اختیارات ولایت فقیه وجود ندارد و با توجه به نظریه‌های مختلف، وسعت و ضیق اختیارات نیز کم و زیاد می‌شود، به نظر می‌رسد می‌توان چارچوب نظری این پژوهش را با توجه به قرائت‌ها و دیدگاه‌های مختلف در ولایت فقیه مانند ولایت مطلقه و مقیده فقیه و برخی از

۱. محمد محسن مسجدی و مطهره سادات مهدیان صدر؛ دیوان اروپایی حقوق بشر و حق بر حریم خصوصی و زندگی خانوادگی؛ تهران: تیس، ۱۳۹۳.

نظریه‌های برآمد از آن مانند نظریهٔ انتخاب و انتصاب تدوین کرد. هرچند اصل تحقیق بر اساس اندیشهٔ ولایت مطلقه فقیه از منظر امام خمینی علیه السلام در دیدگاه انتصاب است، برای بررسی زوایای متعدد بحث، شفاف‌شدن دیدگاه‌های دیگر نظریه‌پردازان و برجسته‌سازی محدودیت‌ها یا گشایش‌های هر نظریه، این بحث را باید در فرایندی مقایسه‌ای به انجام رساند و گسترهٔ اختیارات را در نظریهٔ ولایت مقیده فقیه، ولایت انتخابی، ولایت فقیه در امور حسبه و حتی نظریه‌های وکالت سیاسی، وکالت فقیه و نظارت فقیه نیز بررسی کرد؛ بنابراین چارچوب و الگوی حاکم بر این نوشتار برگرفته از اندیشهٔ فقهی-سیاسی امام خمینی علیه السلام است و تلاش می‌شود اختیارات حاکم اسلامی در عرصهٔ خصوصی بر اساس اندیشهٔ ایشان تحلیل و توصیف گردد که در فصل اول به تفصیل بیان خواهد شد و در فصول بعد، در کنار طرح دیدگاه امام علیه السلام، دیدگاه‌های مخالف و موافق طرح و بررسی شده است.

این تحقیق در پنج فصل، یک مقدمه و خاتمه تنظیم شده است: فصل اول به مفاهیم، روش و تمهیدات نظری می‌پردازد. فصل دوم به مبانی و اصول مصونیت عرصهٔ خصوصی در فقه سیاسی شیعه مانند کرامت انسان، حق انتخاب و گزینش و وجوب عدالت و حرمت ظلم پرداخته است. فصل سوم ادله اختیارات ولایت فقیه در عرصه خصوصی را بررسی کرده است و در دو گفتار ادله نافی و اثباتی اختیارات نظام ولایت فقیه در ارتباط با عرصهٔ خصوصی بررسی شده است. فصل چهارم گستره اختیارات نظام ولایت فقیه در عرصهٔ خصوصی و دامنه و قلمرو آن را در دو گفتار گستره اختیارات بر اساس نظریه ولایت مطلقه و مقیده فقیه بررسی می‌کند. فصل پنجم به بحث اساسی ضوابط دخالت نظام اسلامی مرتبط با عرصهٔ خصوصی شهروندان می‌پردازد که ضوابطی اساسی مانند مصلحت جامعه و نظام اسلامی، قاعده اهم و مهم، حفظ اسلام و نظام اسلامی و حفظ امنیت جامعهٔ اسلامی مورد توجه قرار گرفته است.

فصل اول

مفاهیم و تمهید نظری

گفتار اول: بیان مفاهیم

قبل از تبیین مفاهیم، یادآوری این نکته مهم است که عرصه خصوصی مفهومی سیال، پویا و منعطف است و با توجه به جوامع، زمان‌ها و مکان‌های مختلف ممکن است این مفهوم نیز عوض شود؛ بنابراین آنچه در دنیای امروزه عمومی برداشت می‌شود، در گذشته شاید خصوصی بوده یا برعکس. شفاف‌سازی مفاهیم و جداکردن هر کدام از مفاهیم مشابه می‌تواند در فهم زوایای مبهم هر مسئله‌ای و دقیق‌کردن آن یاری رساند.

۱. عرصه عمومی^۱

یکی از مفاهیمی که کمک بسیاری به فهم مفهوم عرصه خصوصی می‌کند، داشتن تعریفی مشخص از عرصه عمومی در جایگاه مفهوم مخالف آن است.

1. Public sphere.